



۱۰۵۶۹

دانشگاه پیام نور  
وهران

IB	
۲۱۴	
۱۳۹۸/۲	

## دانشگاه پیام نور

گروه:  
فلسفه و کلام اسلامی

پایان نامه برای دریافت درجه کارشناسی ارشد  
در رشته: فلسفه و کلام اسلامی

عنوان:

احوال انسان قبل از دنیا از نظر ملاصدرا و علامه طباطبائی  
(بر اساس کتاب الانسان از علامه طباطبائی)

نام مؤلف:

طاهره زارعی اردستانی

استاد راهنما:

دکتر سید محمود یوسف ثانی

ماه و سال تدوین:

مهر ۱۳۸۴

۱۳۸۷ / ۲ / ۱۳

۱۳۸۷ / ۲ / ۱۳

۱۰۵۲۰۹



## تصویب نامه

### پایان نامه

اموال انسان قبل از دنیا از نظر ملاصدرا و علامه طباطبائی (بر اساس کتاب الانسان  
از علامه طباطبائی)

درجه:  $\frac{1}{2}$

نمره: ۱۸/۵

تاریخ دفاع: ۸۴/۷/۱۰

### اعضای هیات داوران

نام و نام خانوادگی	هیات داوران	مرتبه علمی	امضاء
۱- آقای دکتر یوسف ثانی	استاد راهنما	استاد	
۲- آقای دکتر هوشنگی	استاد داور	استاد	
۳- خانم دکتر اخلاقی	نماینده گروه		

۱۰۵۲۵۶

## فهرست مطالب

## شماره صفحه

الف	چکیده
ب	مقدمه
۱	کلیات

## فصل اول

### بخش اول: مراتب هستی

۵	➤ مقدمه
۶	➤ مراتب هستی یا کیفیت آفرینش
۷	➤ صادر اول
۹	➤ پیدایش کثرت بعد از صادر نخستین

### بخش دوم: پیدایش کثرت از نظر فلاسفه اسلامی

۱۰	➤ پیدایش کثرت از نظر ابن سینا
۱۶	➤ پیدایش کثرت از نظر سهروردی
۱۸	➤ پیدایش انوار طولی
۲۲	➤ پیدایش انوار عرضی یا ارباب انواع
۲۵	➤ نظریه مثل افلاطونی
۳۱	➤ عالم مثال یا ملکوت
۳۳	➤ صدور ماده از معقول
۳۶	➤ طبقه بندی جهان هستی از دید دو فیلسوف
۳۷	➤ پیدایش کثرت از نظر ملاصدرا
۴۲	➤ مرتبه وجودی صادر اول
۴۴	➤ ویژگیها و تعابیر مختلف از جواهر قدسیه
۴۷	➤ پیدایش کثرت از نظر علامه طباطبائی

### بخش سوم: عالم خلق و عالم امر

۵۰	➤ خلق و امر
۵۹	➤ مراتب امر
۶۱	➤ روح از عالم امر است.

## فصل دوم

### بخش اول: نفس

- ۶۸ ➤ مقدمه
- ۷۰ ➤ تعریف نفس
- ۷۳ ➤ اثبات وجود نفس
- ۸۰ ➤ رابطه نفس و بدن از دید شیخ اشراق
- ۸۳ ➤ رابطه نفس و بدن از دید ملاصدرا
- ۸۵ ➤ انواع ششگانه تعلق
- ۹۱ ➤ نتیجه
- ۹۲ ➤ اطوار گوناگون نفس
- ۹۶ ➤ ابعاد وجودی نفس

### بخش دوم: حدوث یا قدم نفس

- ۹۸ ➤ مقدمه
- ۹۹ ➤ حدوث نفس از نظر ابن سینا
- ۱۰۱ ➤ حدوث نفس از نظر ابوالبرکات بغدادی
- ۱۰۳ ➤ حدوث نفس از نظر سهروردی
- ۱۱۵ ➤ شرایط قدیم بودن نفس از دید ملاصدرا
- ۱۲۱ ➤ اثبات نظریه قدم نفس
- ۱۲۴ ➤ طرح یک سؤال

### بخش سوم: کینونت نفس

- ۱۲۸ ➤ بررسی مسئله کینونت نفوس قبل از ابدان
- ۱۳۹ ➤ نتیجه

## فصل سوم

### وجود انسان قبل از دنیا از دید قرآن

۱۴۱	➤ عالم ذر و اخذ میثاق
۱۵۲	➤ عالم اسماء
۱۶۴	➤ هبوط
۱۷۲	جمع بندی
۱۷۵	مؤخره
۱۸۹	فهرست منابع

## چکیده

انسان دارای دو بعد جسمانی و روحانی است و در بحث وجود انسان قبل از دنیا، وجود روحانی او مورد نظر بوده که روح نامیده می شود و نشئه طبیعی روح نفس ناطقه می باشد. نفس ناطقه که هر کس بالوجدان بوجود آن پی می برد و با تعبیر " من " از آن حکایت می کند، داستانی دراز و خواندنی دارد و در مورد نحوه پیدایش آن بحثهای زیادی بین فیلسوفان و اهل نظر وجود دارد، و از آنجائی که عالم هستی، دارای سه نشئه عقلی، مثالی و طبیعی است، برخی بر این باورند که نفس قبل از ورود به این جهان خاکی در عالمی برتر وجود داشته و با حقایقی چون " مُثُل " بوده است، و بعضی معتقدند که نفس با حدوث بدن حادث می شود، ولی حدوثش روحانی است، یعنی وقتی بدنی مناسب برای خدمت به نفس حادث شود، در این هنگام توسط مبادی عالیه، نفس، حادث می شود و در بدن به تدبیر و تدبیر می پردازد و بالاخره نظریه دیگری که ارائه شده این است که نفس جسمانیه الحدوث و روحانیه البقاء است، در حالیکه اعتقاد به عالم ذر و میثاق و عالم اسماء الهی بیانگر وجود نفس روحانی، قبل از تعلق به بدن است، لذا نظریه جسمانیه الحدوث و روحانیه البقاء بودن اینگونه تفسیر می شود که:

نفوس ناطقه پیش از ظهور در عالم طبیعت، به وصف بساطت و وحدت در عالم عقول و متحد با مبداء مجرد فاعلی خود موجودند، پس از حصول استعداد تام در ابدان، نفوس جزئی از مبادی عالیه افاضه گردیده و در عالم طبیعت حادث می شوند، بدین ترتیب نفس در آغاز حدوث خویش در عالم طبیعت حدوثی جسمانی دارد، لیکن از ویژگی های نفس آن است که برخلاف سایر جسمانیات، نشئه وجودی اش، منحصر به عالم طبیعت نیست، لذا از وجود او در عالم عقلی، به " روح " یا " عقل " و در عالم طبیعت به " نفس " نام برده می شود. البته این نظریه هم گرچه بیانگر وجود نفس قبل از بدن در عالم عقل می باشد و نحوه وجود آنرا در بساطت و وحدت می داند، ولی نمی تواند وجود نفوس جزئی قبل از تعلق به ابدان را ثابت کند، مسئله اثبات وجود نفوس جزئی قبل از خلقت ابدان همچنان به صورت مسئله حل نشده ای باقی مانده است.

## مقدمه

ثُمَّ أَنْشَأْنَاهُ خَلْقًا ءَاخَرَ فَتَبَارَكَ اللَّهُ أَحْسَنُ الْخَالِقِينَ

سپس او را در آفرینشی دیگر پدید آوردیم، پس خجسته باد بر الله که بهترین آفرینندگان است.

تحقیق حاضر با نام « احوال انسان قبل از دنیا » از نظر ملاصدرا و علامه طباطبائی بر

اساس رساله " الانسان قبل الدنيا " از کتاب الانسان علامه طباطبائی تدوین گردیده است.

رساله " الانسان قبل الدنيا " درباره وجود انسان در نشئه های قبل از طبیعت بحث را از طریق

آیات قرآن و به گونه تفسیر آیه به آیه مورد مطالعه و بررسی قرار می دهد، لذا بر آن شدیم که در

این تحقیق مسئله مورد نظر را به کمک آثار فلاسفه بزرگ اسلامی چون ابن سینا، سهروردی و

ملاصدرا از دید فلسفی مورد مطالعه قرار دهیم، در موضوع مذکور کمتر نوشته یا اثر مستقلی وجود

دارد، لذا باید نظر متفکران را از لابلای مطالب فلسفی که مطرح نموده اند، بدست آورد که دشواری

کار تا حدی مشخص می شود.

## تعریف مسئله

مراد از انسان قبل از دنیا، وجود نفس ناطقه انسان قبل از تعلق به بدن جسمانی، در عوالم

دیگر هستی، می باشد. در آن نشئات که تکثر به صورت وحدت و تضادها به نحو متحد و هماهنگی

وجود دارند، انسان نیز با جمیع خصوصیات ذات و صفاتش در عالم عقل و مثال، موجود بوجدی

عقلی و نورانی بوده، بدون اینکه صفات نقصی و عدمی همراه وی باشد.

## سؤالات اصلی تحقیق

۱. مراد از انسان در نشئه سابق بر دنیا چیست؟

۲. نظریه " النفس جسمانیة الحدوث و روحانیة البقاء " با مسئله وجود نفس قبل از بدن

چگونه سازگار می شود؟

۳. " وجود ذرّی " و " عالم ذر " با کدام مرتبه وجود انسان قابل تطبیق است؟



## فرضیه های تحقیق

۱. مراد از انسان قبل از دنیا رب النوع است یا انسان کلی، انسان کلی با جمیع خصوصیات ذات و صفات و افعالش در عالم مثال موجود است، بدون اینکه صفات رذیله ای با او همراه باشد.

۲. نفس انسان دارای مراتب و نشئات گوناگون است، برخی از آن نشئات قبل از طبیعت، برخی با طبیعت و برخی بعد از طبیعت می باشند، نشئه قبل از طبیعت نفس همان وجود نفس در مرتبه علت و سببش می باشد. یعنی نفوس آدمیان قبل از حدوث، در مرتبه علل عالیه و مبادی نخستین موجود بوده اند و این نفوس پس از فراهم شدن زمینه و استعداد ماده، از جانب مبادی به این ابدان لایق و آماده افاضه می شوند و در ردیف صور جسمانی و طبیعت منطبع در ماده قرار می گیرند.

۳. هر نوعی از انواع دارای سه نحو از وجود می باشند، عقلی، مثالی و مادی، برای نوع انسان نیز سه مرتبه از وجود ثابت است، اشرف و اکمل همه افراد، فرد مفارق عقلی است و عالم "ذر" و "وجود ذری" که در اخبار وارد شده است، اشاره به "وجود عقلی" است، ولی به این اعتبار ارواح اند نه نفوس، زیرا نفسیت نفس باعتبار تعلق و مباشرت تدبیر ابدان جزئیه است. نفس اسم این مرتبه از وجود است و "وجود ذری" مربوط به مرحله قبل از آن یعنی مرتبه عقلی می باشد.

## ضرورت انجام تحقیق

انسان به عنوان یک موجود مجرد سیری ازلی و ابدی دارد و شناخت هر یک از مراحل وجودی انسان مستلزم کمال علم او به نفس خویش است و علم النفس بهترین معارف است.

## متن رساله

این رساله مشتمل بر یک مؤخره می باشد که به زندگی علمی علامه محمد حسین طباطبائی می پردازد و جایگاه کتاب الانسان را در آن شرح می دهد و به بیان سه رساله "انسان قبل از دنیا"، "انسان در دنیا"، "انسان بعد از دنیا" پرداخته و در مورد هر کدام توضیح مختصری می دهد.

متن رساله حاضر مبتنی بر سه فصل می باشد:

**فصل اول:** عوالم کلی هستی را مورد بررسی قرار می دهد که طی آن مراتب هستی یا کیفیت آفرینش را از دید فیلسوفان بزرگی چون ابن سینا، شیخ اشراق، ملاصدرا و علامه طباطبائی، بیان می کند و سپس به عالم خلق و امر که تقسیم دیگری از مراتب هستی است، می پردازد و در پایان به این نتیجه می رسد که روح از عالم امر است.

**فصل دوم:** در مورد نفس که نحوه تعلق روح به بدن است سخن به میان آورده و بعد از تعریف نفس و اثبات وجود نفس به نحوه رابطه نفس و بدن پرداخته و سپس در مورد حدوث یا قدم آن با توجه به نظر فلاسفه بزرگ اسلامی بحث را پی می گیرد. و در نهایت به مسئله کینونت نفوس قبل از تعلق به ابدان می پردازد.

**فصل سوم:** در مورد نفس انسان قبل از تعلق به بدن مادی از دید قرآن و روایات بحث می کند و عالم نر و میثاق، عالم اسماء، و در نهایت هبوط انسان را مورد مطالعه و بررسی قرار می دهد.

## **دستاورد تحقیق**

این رساله با استفاده از قرآن و برهان به مسئله انسان در نشئه سابق بر دنیا می پردازد. زیرا معتقد است نشئه مذکور سنگ زیر بنای وجود انسان در نشئه دنیا و بعد از دنیا می باشد و شناخت آن، سبب شناخت بهتر آندو نشئه می گردد و از آنجائی که دایره وجود در قوس صعود مطابق قوس نزول است. بنابراین پی بردن به نحوه نزول و هبوط و علت آن، کمک می کند که راه صعود و ترقی در قوس مقابل هموارتر گردد.

لذا سعی شده بر اساس مکاتب مهم فلسفه اسلامی و آیات قرآنی سیر نزولی مورد مطالعه قرار گیرد و مطالب با دسته بندی جدید و با زبانی حتی الامکان ساده تر ارائه گردد.

## **موانع تحقیق**

از آنجائی که مشکلات و سختیها را باید بر شنهای کنار ساحل نوشت تا بادهای فراموشی، آنها را با خود ببرند و خوبیها و محبتها را باید بر روی سنگ حک کرد تا هیچ سیل و طوفانی به آن

آسیب نرساند. لذا موانع و مشکلات تحقیق را می نویسیم نه بر شنهای کنار ساحل، بلکه بر روی کاغذ، شاید مسئول محترمی با مطالعه آن به فکر رفع نواقص افتاده و چاره ای بیاندیشد. از این قرار:

۱. عدم اطلاع رسانی کافی به دانشجو در مورد مراحل و روند تحقیق.

۲. تأخیر چند ماهه در تصویب عنوان پایان نامه.

۳. عدم دسترسی به کتابخانه ای که منابع مورد نیاز را داشته باشد، بگونه ای که برای

بدست آوردن یک کتاب گاهی لازم بود به بیش از دهها کتابخانه و کتابفروشی مراجعه کرد.

## سپاسگزاری

اینجاست که باید خوبیها را بر سنگ حک نمود که نه تنها طوفان و سیل، که گذر زمان نیز نتواند آنرا از یاد ببرد. حق این است که از استاد راهنمای محترم این تحقیق جناب آقای دکتر سید محمود یوسف ثانی تشکر نموده که نه تنها در مورد رساله که در طول تحصیل در این مقطع، بزرگوارانه و صبورانه و همواره با روئی خوش دانشجوی خویش را پذیرفته و هیچ سؤالی را در طول این مدت بدون پاسخ نگذارده اند.

مجدداً از ایشان تشکر و تقدیر می نمایم و سرافرازی و موفقیت ایشان را در تمامی مراحل زندگی خواستار می باشم.

از کارشناسان محترم سرکار خانم آقائی و سرکار خانم نادری تشکر مینمایم که همواره از راهنمایی و همکاریشان بهره مند بوده ام.

از خانواده عزیزم که صبورانه مشکلات را تحمل نموده، و زمینه مناسب را برای ادامه تحصیل اینجانب فراهم کردند، سپاسگزارم.

در پایان برای همه آن عزیزان آرزوی سلامتی و بهروزی از درگاه خداوند بخشنده طلب می نمایم.

زارعی اردستانی

## کلیات

### اشاره:

قرآن مبین، نوشته ای است که شرح کمالی انسان است و ساختمانی است که برای مقامات این جانشین ربانی ساخته شده است، پس هرگاه اراده دانش قرآن نمودی، لازم است نخست علم معرفت انسان را بیاموزی و در علم به این معرفت باید از مبادی و اصول احوال و رازها و اسرار او و سببهای که موجب وجود او است و مقامات و گذرگاههای وجودی او و منازل سفر تکوینی و درجات وجودی او است آغاز نموده، زیرا انسان نخستین سبب فاعلی وجودی در قوس نزول است که ذاتش کمال می یابد و آخرین سبب غائی کمالی در قوس صعود است.

پس انسان کامل نوشته مختصر و خلاصه ایست از تمامی عوالم وجود مادی و عقلی و آنچه بین آندوست، هر کس او را شناخت همه چیز را شناخته و دانسته، و هر که او را نشناخت، هیچ چیز را نشناخته است.

علامه طباطبائی (ره) بر این اساس " کتاب الانسان " را به رشته تحریر درآورده اند که موقعیت انسان را در سه نشئه قبل از دنیا، در دنیا و بعد از دنیا برای ما ترسیم می کند. و رساله حاضر با نام " احوال انسان قبل از دنیا " بر اساس رساله اول کتاب مذکور نوشته شده است. لازم به ذکر است که این پایان نامه به نظم خاص خود و با توجه به نظر ملاصدرا و تطبیق نظر وی با فلاسفه بزرگ اسلامی چون ابن سینا و سهروردی به رشته تحریر درآمده که امید است مورد استفاده خوانندگان عزیز قرار گیرد.

### ایضاح مفاهیم محوری

#### ۱. نفس

فیلسوفان از نفس تعاریف مختلف ارائه کرده اند، از آن جمله است قول افلاطون که گفته است نفس جسم نیست، بلکه جوهر بسیط است و محرک بدن می باشد و قول ارسطو که گفته است: نفس عبارتست از " کمال اول برای جسم طبیعی آلی". مقصود از " کمال اول " صورت جسم است، یعنی

چیزی که توسط آن نوع کمال بالفعل می یابد، و مقصود از آلی این است که جسم طبیعی مرکب از آلات یا اعضاء است.<sup>۱</sup>

ابن سینا، در آثار خود سعی نموده راجع به نفس تعریف جامع ارائه نماید. پس می گوید با اینکه می توان در تعریف نفس لفظ قوه، صورت و کمال را به کاربرد لیکن ترجیح می دهد، لفظ کمال را در تعریف نفس بکار برد. بنابراین نفس را تعریف می کند: "نفس کمال اول است برای جسم طبیعی آلی."<sup>۲</sup>

## ۲. عالم امر

امر عبارتست از وجود اشیاء بنفسه و تدبیر وجود مطلق از جانب حضرت حق و افاضه خداوند است به فیض ایجادی.<sup>۳</sup> یعنی فعل مختص بذات خدا که اسباب و علل واسطه نیستند و به مقیاس زمان و مکان و هیچ خصوصیت مادی دیگری اندازه گیری نمی شود.<sup>۴</sup> فعل مخصوص خداوند بدون اینکه اسباب مادی در آن دخالت داشته و با تأثیرات تدریجی خود در آن اثر بگذارند و این همان وجود مافوق نشئه مادی و فوق ظرف زمان است و روح به حسب وجودش از همین باب می باشد.<sup>۵</sup>

## ۳. عالم خلق

خلق به معنای ایجاد نوات موجودات است، ایجاد چیزی است که در خلقت آن تقدیر بکار رفته است، حال به ضم چیزی به چیز دیگر، مانند شرایطی که در پیدایش و خلقت انسان وجود دارند، یا اینکه چیزی به چیز دیگر ضمیمه نمی شود، مانند: تقدیر ذات موجود بسیط و تعیین حد وجودی و آثار آن و روابطی که موجود بسیط با سایر موجودات دارد. تعریف دیگری که علامه از خلق بیان می کنند اینکه: خلق عبارتست از وجود هر چیز از جهت اینکه مستند به خدای تعالی است، با وساطت علل

<sup>۱</sup> دکتر جمیل صلیبا، ترجمه منوچهر صانعی، فرهنگ فلسفی، انتشارات حکمت، ص ۶۳۷

<sup>۲</sup> ابو علی سینا، ۱۳۸۳، رساله نفس، تصحیح دکتر موسی عمید، دانشگاه بوعلی سینا، همدان، ص ۹-۵

<sup>۳</sup> محمد ابن ابراهیم صدر الدین شیرازی، ۱۳۶۲، تفسیر سوره سجده، کانون انتشارات مهربان، ترجمه رضا رجب زاده، تهران، ص ۶۹

<sup>۴</sup> سید محمد حسین طباطبائی، ۱۳۷۴، تفسیر المیزان، ترجمه محمد باقر موسوی همدانی، دفتر انتشارات اسلامی، ج ۲۵، ص ۳۳۴

<sup>۵</sup> همان، ص ۳۳۵

و اسباب،<sup>۱</sup> اما سهروردی در رساله بستان القلوب در این زمینه می گوید آنچه به عالم اجسام تعلق دارد، خلق است و ما سوای آن امر.<sup>۲</sup>

#### ۴. هبوط

هبوط به معنی فرود آمدن از بالا، نازل شدن و خوار شدن می باشد و همچنین به معنی از جایی به جای دیگر منتقل شدن است.<sup>۳</sup> هبوط آدم : بر طبق منابع مذهبی، جای آدم و حوا که اولین انسانهای آفریده خدا هستند در بهشت بود و خدا مقرر داشت که ایشان هر جا که می خواهند بروند و هر چیز که می خواهند بخورند جز به درختی که بعضی آنرا گندم و برخی انگور پنداشته اند، نزدیک نشوند و از آن نخورند. راجع به این موضوع در قرآن چنین آمده است:

" و قلنا یا آدم اسکن انت و زوجک الجنه و کلا منها رغداً حیث شئتما و لا تقربا هذه الشجرة فتکونا من الظالمین " (بقره ۳۵)

اما شیطان که راه ستیزه و عناد با پروردگارا می پیماید، به منظورگمراه نمودن آدم و حوا و درآوردن ایشان به صف خلافکاران، نزد آنها وسوسه کرد و مشتی از گندم به حوا داد و تکلیف کرد که بخورد تا جاودانه شود، حوا خورد و سپس به آدم داد، او هم خورد به جرم این نافرمانی و سرپیچی از فرمان خدا بلافاصله عیب ایشان آشکار شد و هر دو به امر خدا از بهشت رانده شدند و به زمین فرود آمدند. و از آن تاریخ تخم ستیزه و عناد و حسد بین فرزندان آدم و حوا یعنی این رانده شدگان درگاه الهی، پاشیده شد، و آدمیان را به مصائب و بلایا، دچار ساخت.

در اصطلاح عرفانی هبوط به معنای افاضه و تجلی و ظهور می باشد، انسان در مرتبه ربوبی کینونت ربوبی و در مرتبه عقلانی دارای کینونت عقلی و در عالم طبیعت وجود طبیعی دارد، " لقد خلقنا الانسان فی احسن تقویم " (تین ۴). خداوند به انسان کینونت عقلی داد و سپس او را به پائین ترین مرتبه وجود نازل نمود. " ثم رددناه اسفل السافلین " (تین ۶)

<sup>۱</sup> همان ، ج ۸ ، ص ۲۱۱

<sup>۲</sup> شهاب الدین سهروردی ، ۱۳۸۰ ، مجموعه مصنفات ، رساله بستان القلوب ، ج ۳ ، تصحیح سید حسین نصر ، ص ۳۳۵

<sup>۳</sup> علی اکبر دهخدا ، ۱۳۳۴ ، لغت نامه ، دانشگاه تهران ، واژه هبوط

بنابراین هبوط بر اساس قاعده امکان اشرف می باشد این قاعده عقلی بوده و سلسله علت و معلول بر مبنای آن است. " قلنا اهبطوا " (بقره ۳۶) امر به هبوط کرد، اراده تکوینی خداوند به هبوط انسان تعلق گرفت.

امر تکوینی به معنی ایجاد، تجلی و ظهور است. بنابراین بر اساس قانون علیت هبوط صورت گرفته است، زیرا انسان در عالم عقل تمام الکیال نبوده، بلکه بعض الکیال بوده است.<sup>۱</sup>

### پیشینه تحقیق

رساله " انسان قبل الدنيا " اثر با ارزش علامه طباطبائی است که توسط آقای صادق لاریجانی به فارسی ترجمه شده به مسأله وجود انسان در نشئه سابق بر دنیا می پردازد و در حقیقت منبع اصلی این تحقیق می باشد.

علامه طباطبائی مبنای اثر خود را آیات و روایات قرار داده و با روش تفسیری قرآن با قرآن به بیان مطالب می پردازند و کمتر مباحث فلسفی در آن مشاهده می شود. لذا تحقیق حاضر با کاربردی از مفاهیم فلسفی، و آیات و روایات مسئله وجود انسان قبل از دنیا را مورد بررسی قرار می دهد. و با مبنا قرار دادن رساله علامه و استفاده از اثر بزرگ تفسیر المیزان و آثار بزرگانی چون ابن سینا، سهروردی و ملاصدرا به طرح و بیان این مسئله می پردازد.

<sup>۱</sup> ملاصدرا، ۱۹۸۱ ق، الحکمة المتعالیه الاسفار الاربعه، ج ۸، انتشارات دار احیاء التراث العربی، بیروت، ص ۳۳۵



## فصل اول

### بخش اول: مراتب هستی

#### مقدمه:

با توجه به اینکه انسان جزئی از جهان هستی است، برای بررسی حالات او قبل از عالم طبیعت، ابتدا به بررسی جهان هستی می پردازیم تا در پرتو شناخت مراتب هستی به شناخت انسان که جزئی از آن است، دسترسی پیدا کنیم.

لذا در این فصل با توجه به نظر فلاسفه بزرگ اسلامی، ابن سینا، سهروردی و ملاصدرا به

تبیین مراتب هستی پرداخته و طی آن به سؤالات زیر پاسخ می دهیم:

۱. آیا جهان هستی دارای مراتبی غیر از مرتبه طبیعت است؟
۲. اگر جهان هستی ذومراتب است فلاسفه بزرگ آنرا چگونه تبیین کرده اند؟
۳. نظر آیات و روایات در مورد مراتب هستی چیست؟
۴. عالم خلق و عالم امر در این سلسله مراتب چگونه تعریف می شوند؟
۵. جایگاه روح انسانی در این سلسله مراتب کجاست؟

من الله التوفیق

### مراتب هستی یا کیفیت آفرینش

از کیفیت آفرینش و چگونگی صدور عالم با اصطلاحات گوناگونی نامبرده شده است. مثل: تنزل وجود، تجلی حق، جریان فیض هستی، تنزل ربّانی، افاضه، پیدایش کثرت از وحدت، اشراق نورالانوار و ...

گرچه این تعبیرات گوناگون است، اما آنچه در پس ظاهر این الفاظ به عنوان معنا و مفهوم نهفته است یک چیز بیشتر نمی باشد. چه بسا عارفانی که به زبان شعر و تشبیه اشاره به همان معنائی داشته اند که مراد فلاسفه بوده است. اما تعبیر و کلمات آنها غیر از تعبیر و کلمات فلاسفه بوده است. چنانکه حافظ می فرماید:

این همه عکس می و نقش نگارین که نمود      یک فروغ رخ ساقی است که در جام افتاد

در اینجا حافظ از آفرینش به فروغ رخ ساقی تعبیر کرده است.

امام خمینی (ره) در تفسیر سوره حمد می فرماید:

" یک مطلب اگر با زبانهای مختلف هم بیان شود، باز همان مطلب است ... "

عرفا آفرینش را به معنی تنزل ربّانی یعنی مراتب نزول و فیوضات نازله بکار می برند و فلاسفه به تنزلات وجود معنی می کنند که عبارتست از مرتبه وحدت در کثرت و ظهور واحد در کثیر که نهایت دایره وجود است.<sup>۱</sup>

ملاصدرا می گوید: ذات حق از جهت نهایت تمامیت و فرط کمال از ذات خود ظهور دوم را افاضه می کند. ظهور اول، ظهور حق بر ذات خود می باشد و ظهور دوم عبارتست از نزول وجود واجبی در مراتب افعال که به نام افاضه و نفس رحمانی و علیت و تأثیر و تجلی نامیده می شود و منشاء تكثر اسماء و صفات است.<sup>۲</sup>

<sup>۱</sup> سید جعفر سجادی، ۱۳۶۰، فرهنگ و اصطلاحات عرفانی، نشر نهضت زنان مسلمان، ص ۲۶  
<sup>۲</sup> همان

در تفسیر عمل آفرینش فلاسفه مشاء آنرا با فرآیند تعقل بیان کرده اند. بدین صورت که: عمل آفرینش با بخشیدن وجود و عمل تعقل همانند یکدیگرند. از آن جهت که تنها از طریق مشاهده و تعقل در درجات حقیقت است که درجات پائین تر بوجود می آید.<sup>۱</sup>

گرچه آفرینش در فلسفه مشاء با فرآیند تعقل بیان می گردد اما در فلسفه اشراق که مؤسس آن در عالم اسلام، شیخ شهاب الدین سهروردی است، این مسئله را با جریان تابش نورالانوار تشریح می کند. و آفرینش را افاضه و اشراقی از نورالانوار می داند و پدید آمدن مراتب هستی گوئی ظهور و تشعشعی است به نسبت های گوناگون از سرچشمه نور ازل.

از نظر سهروردی، ذات نخستین و نور مطلق یعنی خدا پیوسته نورافشانی (اشراق) می کند، و از همین راه متجلی می شود و همه چیز را بوجود می آورد و با اشعه خود به آنها حیات می بخشد.<sup>۲</sup> بنابراین حاصل عمل آفرینش بوجود آمدن مراتب هستی است. پس لازم است در مراتب هستی اولین پدیده بوجود آمده از تجلی نور حق مورد بررسی قرار می گیرد.

## صادر اول

بر اساس دو قاعده مهم در فلسفه یعنی قاعده "الواحد لایصدر عنه الا الواحد" و قاعده "امکان اشرف" لازم است که صادر نخستین دارای دو ویژگی باشد: واحد بودن و اشرف بودن. منظور از واحد بودن این است که صادر اول باید از هر گونه کثرت عقلی و خارجی و قوه و استعداد منزله باشد و در حد کمال از فضیلت و بساطت باشد. و مقصود از اشرف بودن این است که در میان ممکنات و سایر موجودات از مرتبه اعلا برخوردار بوده و نسبت به سایر موجودات، برتر و ممتاز باشد.

بنابراین با توجه به این دو ویژگی حکما ثابت می کنند که صادر اول نمی تواند جز یک جوهر مجرد عقلانی باشد. برای اینکه موجودات دیگر یعنی سایر جواهر و اعراض یا مرکب اند و یا در وجودشان وابسته و ضمیمه چیز دیگری می باشند. مانند هیولا که وابسته به صورت است و

<sup>۱</sup> حسین نصر، ۱۳۴۵، سه حکیم مسلمان، ترجمه احمد آرام، سروش، تیریز، ص ۳۳

<sup>۲</sup> شهاب الدین سهروردی، ۱۳۸۰، مجموعه مصنفات، ج ۳، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، تصحیح سید حسین نصر، ص ۸۲

صورت که وابسته به هیولی است و جسم که مرکب از هیولی و صورت است و نفس که وابسته بدن است و اعراض که وابسته جوهرند و لذا نمی توانند به عنوان حقیقت واحد در مرتبه اول از واجب صادر شوند. بنابراین باید یک جوهر عقلی در نخستین مرتبه صادر شود.<sup>۱</sup>

از آنجائی که در فلسفه مشاء عمل آفرینش با بخشیدن وجود و عمل تعقل همانند یکدیگرند و تنها از طریق تعقل در درجات بالای حقیقت است که درجات پائین تر بوجود می آید. به همین خاطر از صادر نخستین با عنوان "عقل اول" تعبیر می شود. به عبارت دیگر علم خدا بالفعل است و کافی است که خداوند ذات خود را که علت عالم وجود است تعقل کند، تا عالم وجود پدید آید. پس از این دیدگاه خلقت، عملی عقلی است.

ابن سینا در این زمینه می گوید:

" فالاول یبدع جوهرأ عقلیاً، هو بالحقیقه مبدع. "<sup>۲</sup>

یعنی ذات واجب یک جوهر عقلی را ابداع می کند که آن در حقیقت مبدع است.

اما از آنجا که جریان صدور در فلسفه سهروردی بر محور اشراق دور می زند و معتقد است ذات نخستین نور مطلق، یعنی خدا پیوسته اشراق می کند و از همین راه متجلی می شود و همه چیز را بوجود می آورد و با اشعه خود به آنها حیات می بخشد. لذا در این فلسفه از صادر نخستین با عنوان نور اقرب یا نور اول تعبیر می شود.

ظاهر امر این است که عنوان عقل اول یا نور اقرب بر نخستین موجودی که از مبداء اول صادر می شود، تنها اختلاف در لفظ است ولی از نظر وجودی هیچ تفاوتی ندارند. اما از دیدگاه عرفا اولین صادر وجود منبسط است که در زبان عرفا با تعابیر گوناگونی از آن یاد می شود. مثل فیض اقدس، حق المخلوق، نور ساری در موجودات، روح وجود، نفس رحمانی، سرای وجود و ...<sup>۳</sup>

<sup>۱</sup> صدر الدین شیرازی، ۱۳۸۲، الشواهد الربوبیه، انتشارات بنیاد حکمت اسلامی صدرا، ترجمه دکتر سید مصطفی محقق داماد، ص ۲۱۹  
<sup>۲</sup> ابو علی سینا، ۱۳۸۱، الاشارات و التنبيهات، انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی (بوستان کتاب قم)، تحقیق مجتبی الزارعی، النمط السادس، ص ۳۱۷  
<sup>۳</sup> ملاصدرا، ۱۹۸۱، م. الحکمة المتعالیه فی اسفار الاربعه، ج ۱، انتشارات دار احیاء التراث العربی، بیروت، ص ۵۰